

نگاهی به برخی شاخص‌های تحصیلی در استان سیستان و بلوچستان

جعفر ابراهیمی، معلم

در ایران وضعیت برخورداری از ثروت در بین مرکز و پیرامون رابطه معناداری وجود دارد اگرچه منابع تولید ثروت لزوماً در مناطق مرکزی کشور متمرکز نیست اما مناطق و استان‌های پیرامونی در یک نابرابری آشکار در تمام شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، رفاه و سلامت در وضعیت بدتری قرار دارند در این میان استان سیستان و بلوچستان در بسیاری از شاخص‌های فوق در بدترین شرایط است. در این یادداشت ابتدا وضعیت استان سیستان و بلوچستان را از منظر برخی شاخص‌های اقتصادی و نرخ محرومیت را بررسی می‌کنم سپس نشان می‌دهم این وضعیت چه تأثیراتی در حوزه آموزش عمومی در این استان به دنبال داشته است.

یکی از شاخص‌های مهم اقتصادی تعداد و نسبت خانوارهای یک استان در دهک‌های بالا و پایین است. از بین استان‌های کشور، سیستان و بلوچستان دارای بالاترین (53.5 درصد) و تهران پایین‌ترین (11.8 درصد) نسبت تعداد خانوار سه دهک پایین به کل خانوارها هستند و برعکس تهران دارای بالاترین و سیستان و بلوچستان دارای پایین‌ترین نسبت خانوار سه دهک بالا به کل خانوارها هستند.

در گزارش پایش فقر نرخ محرومیت با توجه به سه شاخص عضو بودن در پنج دهک پایین جامعه، فاقد شغل بودن (فاقد بیمه) و تحت پوشش کمیته امداد و بهزیستی بودن محاسبه شده است. طبق این گزارش نرخ محرومیت در کل کشور 31 درصد است و بالاترین میزان محرومیت با 62 درصد یعنی دو برابر کشوری متعلق به استان سیستان و بلوچستان است و یزد با 16 درصد دارای کمترین نرخ محرومیت است بر اساس این گزارش نرخ محرومیت در استان تهران 17 درصد است.

جدول ۲. رتبه‌بندی محروم‌ترین استان‌ها بر اساس شاخص ترکیبی

رتبه	استان
۱	سیستان و بلوچستان
۲	خراسان شمالی
۳	لرستان
۴	کهگیلویه و بویراحمد
۵	گلستان
۶	خراسان جنوبی
۷	کرمانشاه
۸	چهارمحال و بختیاری
۹	همدان
۱۰	هرمزگان
۱۱	اردبیل
۱۲	زنجان
۱۳	کردستان
۱۴	آذربایجان غربی
۱۵	کرمان
۱۶	خراسان رضوی
۱۷	ایلام
۱۸	خوزستان

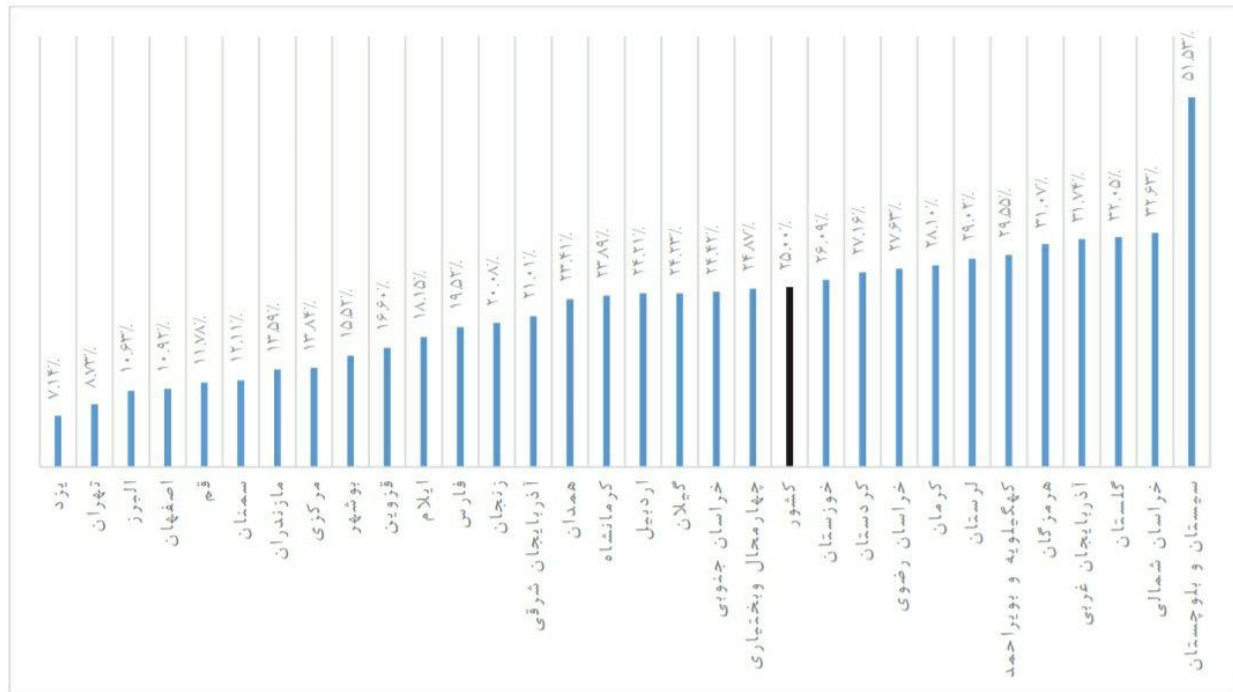
منبع: گزارش پایش فقر

در همین گزارش بر اساس شاخص‌های ترکیبی استان سیستان و بلوچستان محروم‌ترین استان و تهران برخوردارترین استان هستند و به ترتیب استان‌های خراسان شمالی، لرستان و کهگیلویه و بویراحمد در رتبه‌های بعدی به‌عنوان محروم‌ترین استان قرار دارند.

بررسی‌ها نشان می‌دهد اوضاع نابسامان اقتصادی و محرومیت و فقر بر عوامل مؤثر بر عدالت آموزشی تأثیر مستقیم دارند. در گزارش فقر آموزشی در ایران عوامل مستقیم مربوط به خانوار به‌عنوان یک شاخص مهم مورد ارزیابی قرار گرفته است. این شاخص نشان می‌دهد عواملی مانند نرخ فقر پولی کودکان، نرخ عدم دسترسی تحصیلی والدین، شاخص کمبود منابع یادگیری در خانه، دوزبانه بودن کودک، شاخص کمبود فعالیت‌های عددی و سوادآموزی پیش از دبستان، نرخ پوشش تحصیلی پیش از دبستان به‌طور مستقیم بر فقر آموزشی مؤثرند. این شاخص‌ها که تحت تأثیر موقعیت اقتصادی و اجتماعی خانوارهاست پیش از ورود کودکان به مدرسه آنان را در موقعیت نابرابر و وضعی با کودکانی قرار می‌دهد که متعلق به پایگاه اقتصادی و اجتماعی بالاتر هستند.

در کنار شاخص‌های فوق عوامل مرتبط با مدرسه مانند تراکم بالای دانش‌آموزان در کلاس و نسبت بالای دانش‌آموز به معلم و ... بررسی شده است. یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد از بین 14 شاخص (شاخص‌های فقر آموزشی و عوامل مؤثر بر فقر آموزشی) استان سیستان و بلوچستان در 12 شاخص وضعیت بدتری از میانگین کشوری دارد و در دو شاخص نرخ فقر پولی کودکان و نرخ عدم دسترسی تحصیلی والدین این استان در بدترین وضعیت است.

نمودار ۸. نرخ فقر کودکان (۱۳۹۹) - درصد



منبع: محاسبات تحقیق با استفاده از داده‌های پایگاه رفاه ایرانیان

انباشت ثروت در مرکز و عدم توجه و سرمایه‌گذاری در استان‌های حاشیه‌ای به‌واسطه نگاه مرکز‌گرا در ساختار حکومت باعث رشد و گسترش فقر و محرومیت اقتصادی در استان‌های حاشیه‌ای شده است. بی‌شک فقر آموزشی استان سیستان و بلوچستان محصول پیرامونی بودن این استان است. درجایی که فقر و محرومیت از شاخص‌های اصلی آن است چگونه می‌توان انتظار داشت که آن منطقه از فقر آموزشی رنج نبرد؟

نمودهای فقر آموزشی در ناکامی دانش‌آموزان مناطق محروم در امتحانات و بازماندن از تحصیل خود را نشان می‌دهد.

بر طبق سالنامه آماری 400-1399، تعداد کودکان محروم از تحصیل در دوره‌های آموزشی ابتدایی و متوسطه اول در استان سیستان و بلوچستان از تمام استان‌ها بیشتر است. در دوره ابتدایی در این استان 42 هزار و 844 کودک 6 تا 11 ساله در مدرسه حضور ندارند یعنی تقریباً به ازای هر ده کودک یک کودک در این بازه سنی در مدرسه حاضر نیست. در دوره متوسطه اول در این استان 37 هزار و 957 کودک 12 تا 14 ساله در مدرسه حضور ندارند تقریباً به ازای هر 3.6 کودک یک کودک در این بازه سنی در مدرسه حضور ندارد.

در دوره متوسطه دوم بر اساس تفکیک استانی بیشترین کودکان بازمانده از تحصیل در استان خراسان رضوی قرار دارند در این استان 69 هزار و 334 کودک 15 تا 17 ساله در مدرسه حضور ندارند. در رتبه دوم در استان سیستان و بلوچستان 68 هزار و 67 کودک در این بازه سنی در مدرسه نیستند.

بررسی شاخص آمار دانش‌آموزان ترک تحصیل‌کرده نشان می‌دهد استان سیستان و بلوچستان بدترین وضعیت را دارد. در دوره ابتدایی رتبه اول ترک تحصیل به استان سیستان و بلوچستان با تعداد 17 هزار و 144 دانش‌آموز اما در دوره متوسطه اول رتبه اول ترک تحصیل به استان خراسان رضوی با 17 هزار و 250 دانش‌آموز و سیستان و بلوچستان با تعداد 9 هزار و 888 دانش‌آموز در رتبه دوم قرار دارد. در دوره متوسطه دوم خراسان رضوی با تعداد 5 هزار و 266 دانش‌آموز در رتبه دوم و استان خوزستان با 3 هزار و 187 دانش‌آموز در رتبه سوم و استان سیستان و بلوچستان با 2 هزار و 607 نفر در رتبه سوم قرار دارند.

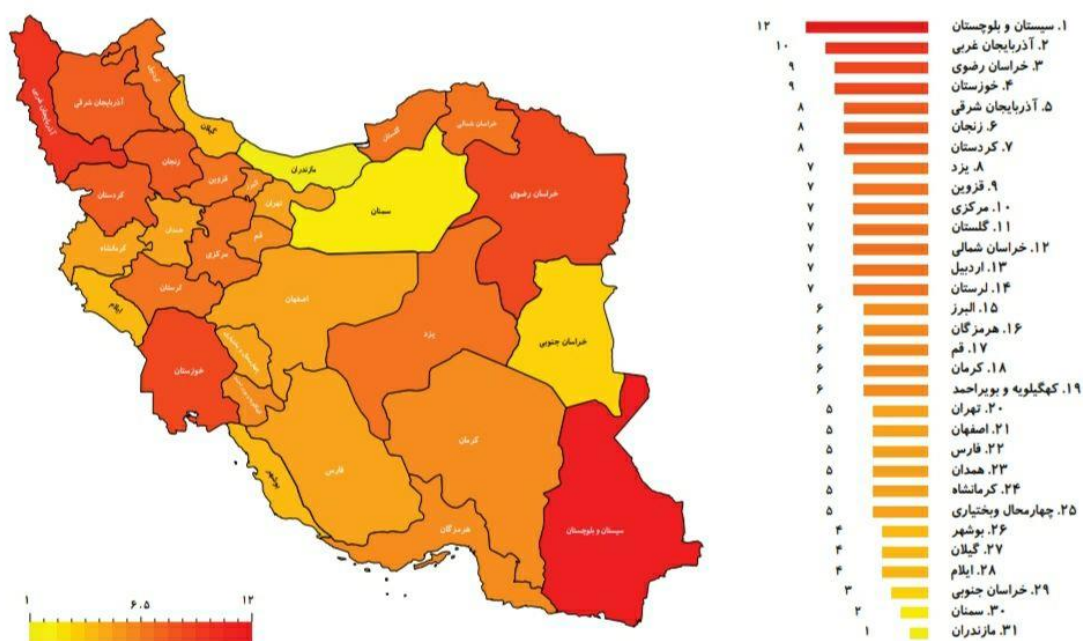
یکی دیگر از شاخص‌های کیفیت آموزشی، آمار میزان دانش‌آموزان مردود است طبق آمار منتشرشده در سال تحصیلی 400-1399 در کل کشور 106 هزار و 125 دانش‌آموز مردود مشغول به تحصیل بوده‌اند که از این میان 26 هزار و 592 نفر یعنی معادل 25 درصد دانش‌آموزان مردودی در استان سیستان و بلوچستان بوده‌اند. در دوره متوسطه اول نیز بیشترین تعداد دانش‌آموزان مردود به این استان تعلق دارد.

اگرچه آمار فوق واقعی نیست و میزان کودکان بازمانده از تحصیل بسیار بیشتر از آمار رسمی است اما همین آمارها نیز نشان از فقدان عدالت آموزشی در استان‌های محروم و حاشیه‌ای است.

بررسی نتایج امتحانات دانش‌آموزان هم‌نشان‌دهنده وضعیت بد کیفیت آموزشی در سیستان و بلوچستان است. بررسی میزانی قبولی دانش‌آموزان در شش‌پایه دوره ابتدایی در سال تحصیلی 99-1398 نشان

می‌دهد در تمام پایه‌های این استان در آخرین رتبه قبولی یعنی 32 قرار دارد. در دوره متوسطه اول در پایه‌های هفتم و نهم این استان در رده آخر و در پایه هشتم در رده‌های آخر، رتبه 28 را به خود اختصاص داده است.

شکل ۱. رتبه‌بندی استان‌ها از منظر شاخص‌های فقر آموزشی و عوامل مؤثر بر آن



منبع: گزارش فقر آموزشی در ایران

بنا بر اطلاعات استخراج‌شده از گزارش‌های رسمی حاکمیتی به‌وضوح می‌توان نشان داد که وضعیت اقتصادی خانوار و محرومیت جغرافیایی در موفقیت تحصیلی کودکان نقش مستقیم دارد؛ یعنی کودکان صرفاً به خاطر متولد شدن در طبقه فرودست و در جغرافیای خاص فرصت‌های بسیاری را از دست می‌دهند. عوامل مربوط به خانواده که پیش از ورود به مدرسه وجود دارد خود محصول استثمار و بهره‌کشی اقلیت در اکثریت است. طبیعی است فرودستان و حاشیه‌نشینان در صورت دسترسی به آموزش از آموزش بی‌کیفیت برخوردار می‌شوند درحالی‌که کودکان طبقه مسلط نه‌تنها به‌واسطه عوامل مربوط به خانواده در موقعیت برتر قرار دارند بلکه آنان به مدارس می‌روند که دارای کیفیت بالاتری است و به فرصت‌ها و امکانات بیشتری دسترسی دارند. از رهگذر همین فرصت‌های نابرابر است که روزبه‌روز شانس کودکان

طبقه کارگر به راهیابی به دانشگاه‌های معتبر و رایگان کمتر می‌شود و دانش آموزان طبقه مسلط و مدارس خاص در حال قبضه کردن دانشگاه‌های معتبر هستند.

آمار فوق به‌وضوح نشان می‌دهد این ایده طرفداران وضع موجود که مدرسه و نهاد آموزش را نهادی می‌دانند که قادر است بر بی‌عدالتی غلبه کند را زیر سؤال می‌برد نه تنها مدرسه در راستای ایجاد برابری در جامعه عمل نمی‌کند بلکه مدرسه نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی را به سود طبقه حاکم تشدید می‌کند.

منابع :

1. گزارش اطلس رفاه ایرانیان، وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی و جهاد دانشگاهی
2. گزارش پایش فقر در سال 1399، تهیه شده در وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، تابستان 1400
3. سالنامه آماری آموزش و پرورش ، سال تحصیلی 1399-400